

همه چیز ممکن است

الیزابت استروت

ترجمه

بهادرانی

ویراستا

مهدی افشار



قاصدک صبا

Strout, Elizabeth

سرشناسه: استروت، الیزابت

عنوان و نام پدیدآور: همه چیز ممکن است / الیزابت استروت؛ ترجمه بهاره ربانی؛ ویراستار مهدی افشار.

مشخصات نشر: تهران، قاصدک صبا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۷۵-۳۴-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: [2017] Anything is possible

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

ب. ضوع: American fiction - - 20th century

شناسه افزوده: ربانی، بهاره، ۱۳۵۷ -، مترجم

شناسه افزوده: افشار، مهدی، ۱۳۲۶ -، ویراستار

ردیف: ۱۳۹۷-۴۱۷-۲۱۷/س/PS۳۵۵۲

رده‌بندی دیوید: ۸۱۳/۵۲

شماره کتاب: ۵۰۸۲۸۷



قاصدک صبا

همه چیز ممکن است

مؤلف: الیزابت استروت * مترجم: بهاره ربانی * ویراستار: مهدی افشار ناظر: ابراهیم سهرابی

* یونیفورم جلد: یوریک کریم مسیحی * طراح جلد: احسان اصفهانیان

* حروفچینی و صفحه‌آرایی: واژه‌آرا * لیتوگرافی: باخته

* نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۷ * شمارگان: ۵۰۰ نسخه (رقعی) * قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۶۷۵ - ۳۴ - ۴

انتشارات قاصدک صبا: تهران خیابان انقلاب خیابان فخر رازی کوچه ماستری فراهانی پلاک ۲۱

Instagram: ghasedaksaba-pub

مرکز پخش: ۶۶۹۷۴۷۲۸ - ۶۶۴۸۶۴۰۴

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

۷	مقدمه و بیستار
۱۱	نشانه
۳۹	توربین‌های دی
۶۷	دل شکسته
۹۳	نظریه ضرب شست
۱۱۵	مری، زنی از می‌سی‌سی‌پی
۱۴۹	خواهر
۱۷۹	مهمانخانه دوتی
۲۰۵	برف‌کوری
۲۲۳	هدیه

مقدمه ویراستار

ای برادر قصه چون پیمانه‌ای است
معنی اندروی مثال دانه‌ای است
دانه معنی بگیرد مرد عقل
ننگرد پیمانه را اگر گشت نقل
«مولانا»

از داستان‌های پریان که بگذریم، هر رمان بلند یا داستان کوتاه، هر ضرب‌المثل، هر مثل و حکایت و هر اصطلاح و اصطلاح به نوعی بیانگر وجهی از وجوه حیات یک جامعه است؛ اگرچه داستان‌های پریان نیز می‌تواند بازگوکننده آرزوهای یک قوم یا یک ملت باشد.

رمان به خصوص آن‌گاه که به قلمرو رئالیسم ورود می‌کند، آینه تمام‌نمایی می‌شود از جامعه‌ای که قصه رمان از متن آن برخاسته است و رمان‌ها اتفاق افتاده است، برشی عرضی از یک جامعه در یک مقطع زمانی پنجاه ساله است.

در شهرکی به نام آمگاش، مردمی می‌زیند که در عین آن‌که هر فرد دارای خصوصیتی فردی و انحصاری برای خویش است، تبلور جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و این مردمان همانند دیگر جوامع با یکدیگر نشست و برخاست دارند، معامله می‌کنند، دختر می‌دهند و پسر می‌ستانند، ازدواج می‌کنند و فراتر از همه، رابطه برقرار می‌کنند؛ روابطی که به زعم مردمان آن نیز چندان

دلچسب و دلنشین نیست به همین روی بسیاری از این روابط پنهانی به صورت شایعات و پیچیده‌ها در جامعه مطرح می‌شود و شگفتا که اگر این رابطه‌ها بزرگنمایی هم شده باشد، مبتنی بر واقعیتی است که بر اشخاص بلافصل آن، تاثیر گذارده، همه آنان را به نوعی متأثر کرده، آسیب رسانده است و همین ضرب‌المثل که در زبان فارسی باب است که می‌گوید «تا نباشد چیزی کی، مردم نگویند چیزها» مصداق همان شیوه رفتاری است که در آن جامعه کوچک مشاهده می‌شود و طبعاً در چنین جوامعی شایعات رواج و روال بیش تری دارد و روان تر گردش می‌کند و روال تر فراگیر می‌شود.

رمان را در به دید یک راوی که دانای کل است، بیان می‌شود و بازتابنده مجموعه‌ای از رویدادها و ارتباطات و رابطه‌هاست که هر یک در عین استقلال با رشته‌ای ناپیدا یعنی فضای نیستی مشترک یا بهتر گفته شود، زیستن در شهرک آمگاش به یکدیگر می‌زنند و مجموعه واحدی را پدید می‌آورند.

راوی، نخستین داستان را که «نشانه» نام دارد، از منظر یک بابای مدرسه بیان می‌کند. بابایی که زمانی خود مزاجی و وضعیت مالی خوبی می‌داشته و مثل همه باباهای مدرسه - یادتان می‌آید چقدر مه‌ربان بودند؟ - با دانش‌آموزان به مهر رفتار می‌کند؛ و آن‌گونه که در صفحات بعد در می‌یابیم، این حادثه تلخ زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از کارگران پس از خاتمه یک روزم جهانی بر اثر قتل دو غیرنظامی آلمانی بی‌گناه دچار چنان اختلال روانی می‌شود که آرام و قرار از او می‌گیرد و همین حالات روحی است که او را وامی‌دارد تا مزاجه تامی را به آتش کشد و همه هست و نیست او را نابود کند تا آن‌جا که تامی مزاجه دار ناگزیر می‌شود به عنوان خدمتگار در مدرسه مشغول به کار شود.

نکته این جاست که تامی گاپتیل هشتاد و اندی ساله که سال‌های چندی است از خدمتگاری مدرسه بازنشسته شده، همه مردمان شهر را به نوعی می‌شناسد، زیرا بسیاری از آنان که امروزه برای خود حرفه مستقلی دارند، فروشگاه‌های را اداره می‌کنند یا در سازمان‌های دولتی مشغول به کار هستند، همه و همه شاگردان مدرسه‌ای بوده‌اند که تامی گاپتیل بابای آن بوده است.

در کنار تامی، ده‌ها چهره و شخصیت دیگر نیز حضور دارند، برخی حضوری پررنگ‌تر و برخی کم‌رنگ‌تر و برجسته‌ترین این چهره‌ها که در همه قصه‌ها مگر در مهمانخانه دوتی حضور دارد، لوسی است، دخترک ریزه‌اندام فقیری که با فقر زیست و چون زمانی زمانی رمانی باشکوه نوشت، زندگی‌اش متحول گردید تا آن‌جا که پیوسته با او مصاحبه می‌شود و در آمگاش، نامی می‌شود که همه از او سخن می‌گویند.

سو، ای آن ندارم از تک‌تک این چهره‌ها سخن بگویم اما نمی‌توانم از پتی، خواهر لوسی نگویم که معلم مدرسه‌ای است که تامی در آن‌جا خدمتگار بوده و چه مساهداتی می‌آشته آن‌گاه که در روزگار کودکی بادل پیچه به خانه بازمی‌گردد و صحنه‌ای بولناک را شاهد می‌شود که تأثیری عمیق بر مناسبات خانوادگی و زناشویی خودش به‌هم می‌گذارد و نیز نمی‌توانم از حدیث آن زن پنجاه و یک ساله‌ای بگذرم که چون در خیانت شوهرش آگاه می‌شود، زندگی را تحمل می‌کند تا فرزندانش به سروسامانی برسند و پس با جوانی ایتالیایی که بیست سال از خودش کوچک‌تر است، ازدواج می‌کنند و به ایتالیا می‌روند و چه رنج‌هایی را برای دوری از فرزندانش متحمل نمی‌شود و هرچند که آن جوان ایتالیایی آن روز و این مرد شصت ساله امروز، هم‌چنان به آن پیرزن هشتماد و دو ساله وفادار است و با پیرزنی در زیر یک سقف زندگی می‌کند که بیست‌تره ماه‌ش شبیه است تا به همسرش اما دردی که در قلب مادر برای جدایی از دخترانش است، او را سخت می‌آزرد و فرزندانش نیز منتقدانه به او می‌نگرند هرچند که آن پیرزن هشتماد و اندی ساله هنوز شور جوانی را در دل می‌پروراند.

در این مجموعه داستان آن قدر نکته است که در پی خواندن آن و زما در پی روزها نتوانید از صحنه‌ها و حوادث آن جدا شوید اما آن‌چه بیش از همه - شاید به عنوان یک ویراستار مرد - مرا تحت تأثیر قرار داد، صداقت و سادگی و غریزی بودن مردهای قصه و نیز در مقابل، پررنگ‌تر نمایش دادن زیرکی و بی‌صداقتی زنان ماجرا ساز قصه‌هاست و زمانی که مشاهده می‌کنیم نویسنده رمان یک زن است (الیزابت استروت)، گاه می‌اندیشم چه بسا زنان، خویشان را بهتر از دیگران

همه چیز ممکن است

می‌شناسند و شاید اگر مردی همین رمان را می‌نوشت و همین حوادث را به مشاهده درمی‌یافت، تصویری دیگر از حیات اجتماعی گوشه‌ای از مردم جهان را در پیش روی ما به نمایش می‌گذاشت.

مهدی افشار

www.ketab.ir